

## بررسی روابط ایران و تاجیکستان از منظر هیدروپلیتیک و ژئوکالچر

دکتر عطاالله عبدی\* - دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.  
محمد آمره - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

دکتر افشین متقی - دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۷

DOR: 20.1001.1.17354331.1401.18.66.2.0

### چکیده

آسیای مرکزی به واسطه اهمیت ژئواستراتژیک خود، در نظر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی جایگاه بسیار مهمی دارد و این قدرت‌ها همواره در تلاش برای حضور در این منطقه بوده‌اند. بگونه‌ای که از سده نوزدهم به بعد یکی از مناطق حساس ژئوپلیتیک جهان بوده است. در میان ویژگی کلان راهبردی این منطقه در نظام ژئوپلیتیک جهانی در درون نیز این منطقه دارای برخی ویژگی‌ها و عناصر جغرافیایی است که آن را واجد برخی چالش‌های ژئوپلیتیک قرار داده است که از جمله مهم‌ترین آنها موضوع آب است. در این میان کشور تاجیکستان به دلیل دارا بودن بخش مهمی از منابع آب منطقه از موقعیت فرادستی در آسیای مرکزی برخوردار است. بنابراین آسیای مرکزی و به ویژه تاجیکستان به واسطه داشتن اشتراکات فراوان فرهنگی با ایران، واجد اهمیت استراتژیک برای ایران است. با توجه به چنین امری مساله پژوهش حاضر این است که ضرورت ژئوپلیتیک حضور ایران در تاجیکستان چیست و فرصت‌ها و ابزارهای موجود در این میان دربرگیرنده چه مواردی است، همچنین عرصه بازیگری ایران در ژئوپلیتیک این منطقه چیست؟ یافته‌های پژوهش گویای آن است که با توجه به موقعیت برتر هیدروپلیتیک تاجیکستان در آسیای مرکزی به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری ایران در پروژه‌های آبی تاجیکستان در کنار پیوندهای فرهنگی دو کشور می‌تواند راهکار مناسب و کم هزینه‌ای برای پیشبرد علایق ژئوپلیتیک ایران در راستای گسترش حوزه نفوذ در منطقه آسیای مرکزی بوده و به دست بالای ژئوپلیتیک ایران نسبت به رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این منطقه ژئوپلیتیک منجر شود.

واژه‌های کلیدی: هیدروپلیتیک، ژئوکالچر، آسیای مرکزی، تاجیکستان، ایران.

## ۱. مقدمه

آسیای مرکزی در تمام نظریات ژئوپلیتیک حضور جدی دارد. به همین دلیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین این منطقه بزرگ‌ترین منطقه محصور در خشکی است که به دریای آزاد دسترسی ندارد و با دارا بودن جمعیت ۶۶ میلیون نفری و عدم دسترسی مناسب به بازار جهانی، بازار اغواکننده‌ای برای قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی است. خلاء قدرت در این منطقه ژئواستراتژیک سبب شده است بازیگران جهانی و منطقه‌ای هر یک برای تامین منافع ملی و دسترسی به علائق ژئوپلیتیکی خود با استفاده از ابزارهای گوناگون در منطقه حضور داشته باشند. نگرانی‌های روسیه از گسترش ناتو به سمت شرق و حضور ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی سبب شده است این کشور به منطقه‌گرایی روی آورده و تلاش کند اعضای پیشین شوروی را در قالب اتحادیه کشورهای همسود سازماندهی کند. از سوی دیگر چین نیز به دلیل علائق اقتصادی و دسترسی آسان به انرژی و پیش‌برد طرح بلندپروازانه جاده ابریشم جدید تمایل زیادی برای حضور در آسیای مرکزی دارد. همچنین موفقیت اسرائیل در آسیای مرکزی به واسطه سرمایه‌گذاری در بخش آب و جلب همکاری ترکیه و آمریکا این کشور را تبدیل به یک رقیب جدی برای جمهوری اسلامی ایران در منطقه کرده است. ناتو و ایالات متحده آمریکا نیز در تلاش برای کنترل روسیه و چین و ایران تلاش کرده‌اند هم‌پیمانانی از منطقه آسیای مرکزی جذب کنند. ترکیه و عربستان نیز علائق مذهبی، فرهنگی و اقتصادی زیادی برای حضور در این منطقه دارند. مجموع این مسائل ضرورت توجه به حضور ایران در آسیای مرکزی را برجسته می‌نمایند. با توجه به حضور رقبای منطقه و جهانی لازم است راهبردی مناسب برای حضور در آسیای مرکزی در سیاست خارجی ایران تدوین شود تا ضمن برطرف نمودن تهدیدات امنیتی و تامین منافع ملی از هویت ایران در منطقه و به‌ویژه تاجیکستان در برابر روسی‌سازی و ترکی‌سازی جلوگیری شود. نگاهی به جایگاه هیدروپلیتیک تاجیکستان در این منطقه گویای اهمیت راهبردی این کشور است.

## ۲. سوال و فرضیه تحقیق

سوال اول: ضرورت‌های ژئوپلیتیک حضور ایران در تاجیکستان چیست؟

سوال دوم: ایران با چه راهبردی می‌تواند حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی خود در آسیای مرکزی را وسعت

بخشد؟

### ۳. روش تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها

در این تحقیق علاوه بر اینکه محقق به دنبال چرایی حضور ایران در منطقه مورد مطالعه است به دنبال چگونگی نقش‌آفرینی ایران و توجه و تقویت این علایق به عنوان عوامل و ملاحظات پایدار ژئوپلیتیکی است. بنابراین از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. همچنین در جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل این تحقیق از طریق بررسی منابع و اسناد و مدارک کتابخانه‌ای در داخل و خارج از کشور به صورت دسترسی اینترنتی و همچنین به صورت مشاهده حضوری با مراجعه به مراکز علمی، پژوهشی، فرهنگی اقدام به گفتگو با صاحب‌نظران، ایران‌شناسان، جغرافیدانان، اساتید جغرافیای سیاسی، فعالان انجمن دوستی ایران و تاجیکستان، کارشناسان و فعالان اقتصادی ایرانی حاضر در تاجیکستان از جمله شرکت‌های سدسازی حاضر در این کشور صورت گرفته است تا تصویری شفاف و صحیح از آنچه هست و آنچه باید باشد ارائه شود.

### ۴. ادبیات پژوهش

#### ۴-۱. نقش منابع آب در رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی

آب را می‌توان یکی از مهم‌ترین عناصر زیست بشر در نظر گرفت. در بنیادی‌ترین زمینه‌های زیست بشر، آب به‌عنوان پایه قلمداد می‌شود. آب عنصری تجدیدناپذیر است و به‌صورت مصنوعی نمی‌توان آن را ساخت. تصفیه و شیرین کردن آب هزینه زیادی می‌طلبد. شیرین کردن و نمک‌زدایی آب در سطح محدود ممکن است و دست‌کم با تکنولوژی کنونی نمی‌توان از آن به‌صورت گسترده و در مصارف صنعتی و کشاورزی استفاده نمود. در سال‌های پایانی قرن بیستم آب به‌عنوان موضوعی مهم در کانون بحث‌ها و مذاکرات بین‌المللی قرار گرفت و تقریباً هیچ نشست بین‌المللی که در آن آینده جهان در هزاره سوم میلادی مطرح باشد، را نمی‌توان سراغ گرفت که در آن آب و مدیریت آن به‌صورت یکی از اصلی‌ترین عوامل و عناصر در دستور کار قرار نگرفته باشد (Mokhtari Hashi, 2013: 56). نخستین سازمان بین‌المللی مرتبط با مسئله آب در قرن نوزدهم به‌منظور چگونگی مدیریت بر کشتیرانی در رود راین تشکیل شد. در پی آن قراردادهای پیمان‌ها و توافق‌نامه‌های متعددی به‌منظور تقسیم آب رودهای بین‌المللی میان کشورها یا مدیریت رودهای بین‌المللی در قرن بیستم

به امضاء رسید (Fakhari, 1992: 71-74). هرچند این توافق‌نامه‌ها چندان نتوانسته‌اند رقابت‌های هیدروپلیتیک در جهان را به صورت مسالمت‌آمیز حل کنند چرا که کشورها تلاش کرده‌اند منابع آب خود را برای استفاده بهتر از طریق ساخت سد، تغییر مسیر آب و غیره کنترل کنند که عمدتاً بدون مخالفت کشورهای پایین‌دست رودخانه‌ها نبوده است. در این راستا کشور اتیوپی در حال ساخت سد رنسانس<sup>۱</sup> بزرگ اتیوپی بر روی رودخانه نیل آبی<sup>۲</sup> با ظرفیت ۶۰۰۰ مگاوات انرژی برق‌آبی است و تلاش می‌کند آب را تحت کنترل خود در آورد که موجب اعتراض شدید کشورهای مصر و سودان شده است. رودخانه نیل آبی ۸۵ درصد آب نیل را تأمین می‌کند که کنترل آن می‌تواند امنیت اقتصادی و ملی مصر و سودان را تهدید کند. از این‌رو رد پای اسرائیل در ساخت این سد برای تضعیف قدرت مصر و تأثیرگذاری بر سیاست این کشور در حمایت از فلسطین دیده می‌شود (Mokhtari Hashi and Ghaderi Hajat, 2008: 52). این سد، در حال تبدیل شدن به مرکز تحولات منطقه‌ای و عاملی برای تقویت روابط بین مصر و اسرائیل است. ترس مصر نسبت به ساخت این سد باعث شد که رئیس‌جمهور سابق، خود را از فرانسه جدا کند، به روسیه نزدیک شود و روابط را با اسرائیل تقویت نماید، بازرگانان بزرگ این تحولات فلسطینی‌ها هستند. همچنین کشور ترکیه با ساخت پروژه گاپ<sup>۳</sup> بر روی رودهای فرات و دجله به بهانه تولید انرژی برق‌آبی می‌کوشد دو کشور پایین‌دست عراق و سوریه را با سیاست‌های خود همسو سازد و به‌نوعی با کنترل آب، آن را به کالای اقتصادی تبدیل کند تا در برابر دریافت نفت ارزان یا رایگان به عراق واگذار نماید. کشور افغانستان نیز با ساخت سد بر روی رودخانه هیرمند که سبب خشکیدن دریاچه هامون در استان سیستان و بلوچستان ایران شده است سعی می‌کند سیاست‌های ایران در قبال افغانستان را تغییر داده و مطامع سیاسی خود را به‌ویژه در زمینه پذیرش و حفظ مهاجران افغانستانی به ایران تحمیل نماید. این داده‌ها نشان می‌دهد تلاش برای کنترل آب در میان کشورها تبدیل به یک ابزار کنشگری شده است و کشورهای دارای منابع آب می‌کوشند با کنترل منابع آب خود ضمن بهبود شرایط اقتصاد داخلی

### 1. Ferdinand von Richthofen

۲. رود نیل از بهم پیوستن دو رود نیل سفید و نیل آبی در خارطوم به وجود می‌آید. سرچشمه نیل سفید دریاچه ویکتوریا و سرچشمه نیل آبی دریاچه تانا (واقع در اتیوپی) است.

### 3. GAP (South Eastern Anatolian Project)

آرزوهای سیاسی خود در منطقه را نیز پیش ببرند. چنین امری مفهومی به نام هیدروپلیتیک را در تبیین سیاسی شدن موضوع آب در درون ژئوپلیتیک مطرح می‌نماید.

#### ۲-۴. هیدروپلیتیک

به آن بخش از علم جغرافیای سیاسی که به مسئله بحران‌های آبی می‌پردازد هیدروپلیتیک می‌گویند. نوع برهمکنش میان ملت‌ها در بهره‌برداری از این منابع آبی مشترک طیف گسترده‌ای از سازگاری و همکاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را دربرمی‌گیرد و معمولاً در رویکردهای مختلف درباره هیدروپلیتیک بر روی عواملی مانند درگیری و همکاری، بازیگری دولت‌ها و حضور در حوزه‌های آبریز و بین‌المللی تاکید می‌شود (Nami, 2011: 63). با توجه به مصرف فزاینده آب در آینده و افزایش مصرف کشورهای فرادست رودها در بهره‌برداری از این منابع، شاهد فزونی مشاجرات هیدروپلیتیک میان ملت‌ها هستیم. بنابراین برخی ژئوپلیتیسین‌ها، قرن کنونی (سده ۲۱) را سده هیدروپلیتیک می‌دانند و بر این باورند که اغلب به درگیری‌ها و جنگ‌های منطقه‌ای در جهان به دلیل بحران برآمده از کمبود آب خواهد بود (Kaviani Rad, 2005: 338-339). از این رو ژئوپلیتیک آب به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی و ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد اعم از آن که در داخل کشورها و یا بین آنها و دارای ابعاد فرا کشوری منطقه‌ای و جهانی و بین‌المللی باشد (Hafeznia, 2005: 101).

#### ۳-۴. ژئوکالچر

ژئوکالچر، ژئوپلیتیک فرهنگی یا جغرافیای فرهنگی تشکیل شده از دو مفهوم ژئو به معنای زمین و کالچر به معنای فرهنگ است. ژئوکالچر یا ژئوپلیتیک فرهنگی فرآیند پیچیده‌ای از تعاملات قدرت، فرهنگ و محیط جغرافیایی است که طی آن فرهنگ همچون سایر پدیده‌های نظام اجتماعی همواره در حال شکل‌گیری، تکامل، آمیزش و جابجایی در جریان زمان و در بستر محیط جغرافیایی کره زمین‌اند (Heidari, 2008: 147). به عبارت دیگر ژئوکالچر ترکیبی از فرآیندهای مکانی-فضایی قدرت فرهنگی میان بازیگران متنوع و بی‌شماری است که در لایه‌های مختلف اجتماعی و در عرصه محیط

---

1. Hydro-Politics

2. Geo-Culture

یکپارچه سیاره زمین به نقش آفرینی پرداخته و در تعامل دائمی با یکدیگر به سر می‌برند و بر اثر همین تعامل مداوم است که در هر زمان چشم‌انداز فرهنگی ویژه‌ای خلق می‌شود (Heidari, 2004: 94).

#### ۴-۴. چارچوب نظری: هم‌تکمیلی جغرافیایی و ایدئولوژی

بر اساس مدل هم‌تکمیلی جغرافیایی و ایدئولوژی حضور در منطقه جغرافیایی از دو الگوی همگرایی و واگرایی تبعیت می‌کند. برای فهم همگرایی یا واگرایی روابط چهار عنصر ایدئولوژی، ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک در نظر گرفته شده است که به ترتیب معرف همگرایی نظام سیاسی، هم‌تکمیلی جغرافیایی، پیوندهای فرهنگی و هم‌تکمیلی اقتصادی هستند؛ بنابراین در صورت هماهنگی این چهار عنصر گسترش همکاری شکل گرفته و منجر به تأمین منافع ملی می‌شود. این مدل حالت‌های دیگری نیز دارد اگر ایدئولوژی که معرف نظام سیاسی دو کشور است هم‌خوان نباشند سه عنصر دیگر با تکیه بر ظرفیت اقتصادی می‌توانند همگرایی ایجاد کنند اما گاهی ممکن است اختلاف ایدئولوژی‌های حکومتی موجود سبب خنثی‌سازی سه عنصر دیگر شود و در نهایت واگرایی رخ داده و در بهترین حالت به از بین رفتن ظرفیت‌های همکاری می‌انجامد؛ اما حالت بدتری هم وجود دارد که منازعه رخ می‌دهد و در این حالت است که رقبای ژئوپلیتیکی وارد شده و منافع ملی کشور تهدید می‌شود.

شکل (۱): نمودار مدل هم‌تکمیلی جغرافیایی و ایدئولوژی



روابط ایران و تاجیکستان را می‌توان در قالب این مدل بررسی کرد. در حال حاضر این دو کشور از نظر ایدئولوژی حکومت اختلاف نظر دارند و در زمان‌هایی این اختلاف سبب نادیده گرفته شدن سه عنصر ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئوآکونومی<sup>۱</sup> شده و نتیجه آن باعث ورود رقباتی ژئوپلیتیک از جمله عربستان و ترکیه به منطقه شده است.

### ۵. یافته‌های تحقیق

#### ۵-۱. اهمیت آب در آسیای مرکزی و تاجیکستان

آسیای مرکزی به دلیل داشتن شرایط خاص جزء بحرانی‌ترین مناطق آبی محسوب می‌شود. وجود بیابان‌های خشک با بارش کم و منابع آبی محدود و کشورهای درحال توسعه و ضعیف و توزیع نامتوازن همان منابع آب محدود بین کشورهای، باعث شکل‌گیری اختلاف‌ها و بحران‌های بالقوه در این منطقه ژئواستراتژیک شده است. بستر جغرافیایی درگیری‌ها در آسیای مرکزی، منطقه‌ای خشک و بایر با عوارض زمینی بی‌اندازه گوناگون، از کوه‌های بلند تا استپ‌ها و بیابان‌های وسیع و خشک است (Karayi, 2008:1). آب مسئله‌ای کلیدی در منطقه است، ۹۰٪ منابع آب در قرقیزستان و تاجیکستان متمرکز شده‌اند و این دو کشور بر آب مورد نیاز ازبکستان و قزاقستان کنترل دارند (Ezzati and Khezri, 2011:90). از نظر دسترسی و بهره‌برداری از آب‌های شیرین، کشورهای آسیای مرکزی را می‌توان به این صورت دسته‌بندی کرد. کشورهایی که آب بسیار دارند مانند تاجیکستان (۶۴ کیلومتر مکعب برابر با ۵۵,۴ درصد آب‌های روان حوضه‌ی دریاچه آرال) و کشورهایی که آب کمی دارند مانند ازبکستان (۸,۸ کیلومتر مکعب یا ۷,۶ درصد) و ترکمنستان که آب آن را کاملاً از بیرون از مرز وارد می‌کنند. در میان کشورهای آسیای مرکزی، تقریباً ۱۰۰ درصد آب قرقیزستان و تاجیکستان از منابع داخلی تأمین می‌شود. این در حالی است که تمامی آب مصرفی ترکمنستان و ۵۰ درصد از آب‌های ازبکستان از خارج تأمین می‌شود. به‌رغم اینکه منطقه‌ی اصلی تولید جریان آب و کنترل واقعی تمام منابع آب منطقه با کشور قرقیزستان و تاجیکستان است، مقدار آب مورد استفاده توسط این دو کشور در مجموع کمتر از ۱۵ درصد است. در مقابل ازبکستان و ترکمنستان که از آب سهم کمتری دارند، مصرف‌کنندگان ۷۱ درصد آب قابل دسترسی هستند، بخش

عمده‌ی این آب برای آبیاری مزارع پنبه استفاده می‌شود (Oohara,1999:167). در این میان تاجیکستان از لحاظ رودخانه‌ها در میان جمهوری‌های همسود، در مقام ششم و از نظر تأمین آب در یک کیلومترمربع، پس از گرجستان، در مقام دوم قرار دارد (khaledi,2011:109). بخش بزرگی از این منابع آبی از طریق رودخانه‌های آمودریا (جیحون) و سیر دریا (سیحون) به کشورهای ترکمنستان و ازبکستان وارد می‌شود. این رودخانه‌ها شاهرگ حیاتی این دو کشور به‌ویژه ازبکستان است. طبق برآوردهای عمل‌آمده تاجیکستان از نظر وسعت (۱۴۳۱۰۰ کیلومترمربع) هشتم و پنجمین کشور دنیا است. در حالی که از نظر ذخایر هیدروانرژی<sup>۱</sup> با ظرفیت بالقوه تولید ۵۲۷ میلیارد کیلووات ساعت پس از چین، روسیه، آمریکا، هند، برزیل، زئیر و کانادا در مقام هشتم قرار دارد (Rasulof,2004:281). آمودریا (جیحون) بزرگ‌ترین رودخانه‌ی آسیای مرکزی از رشته‌کوه‌های پامیر سرچشمه می‌گیرد و در طول ۲,۵۴۰ کیلومتر در تاجیکستان، ازبکستان، و ترکمنستان جریان یافته و در نهایت قبل از اینکه به جنوب آرال بریزد به ازبکستان برمی‌گردد. مقدار آب سالانه‌ی این رودخانه بین ۶۷۹/۴ تا ۱۰۸/۴ کیلومترمکعب در نوسان است و میانگین آن در حدود ۷۸/۵ کیلومترمکعب است (Oohara,1999:166). این رودخانه با متوسط جریان سالانه‌ای برابر ۷۹/۳ میلیارد مترمکعب حدود ۶۸٪ دبی کل حوضه، (United Nations Development Programme, 2010) را در اختیار دارد.

دومین رودخانه‌ی بزرگ آسیای مرکزی یعنی سیردریا (سیحون)، از کوه‌های قرقیزستان سرچشمه می‌گیرد. این رودخانه دارای دوشاخه اصلی نارین و قره‌دریا است که این دو در ازبکستان به یکدیگر می‌پیوندند و سیر دریا را تشکیل می‌دهند. از اینجا به بعد رودخانه قبل از اینکه مجدداً وارد ازبکستان شود به داخل تاجیکستان جریان می‌یابد و در ادامه وارد قزاقستان شده و به شمال دریاچه‌ی آرال می‌ریزد طول این رودخانه تقریباً به اندازه‌ی آمودریا است، در حدود ۲,۲۰۰ کیلومتر، اما مقدار آبی که از آن تخلیه می‌شود بسیار کمتر یعنی در حدود ۲۱/۴ تا ۵۴/۱ کیلومترمکعب با میانگین ۳۷/۲ کیلومترمکعب در سال است (Oohara,1999:167).



شکل (۲): نقشه موقعیت سیردریا و آمودریا در آسیای مرکزی و حوضه آبریز آنها



(Source: CAWater-Info,2010)

جدول (۱): اطلاعات رودخانه‌های تاجیکستان

کشور	ریزشگاه	میانگین بده (دبی) m <sup>3</sup>	حوضه آبریز (km <sup>2</sup> )	طول km	نام رود	
ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، افغانستان	دریاچه آرال	۱۰۴۰۰	۵۳۴،۷۳۹	۲۰۶۲۰	آمودریا - رود پنج	۱
قرقیزستان تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان	دریاچه آرال	۷۰۳	۲۱۹،۰۰۰	۳۰۰۷۸	سیردریا- رود تارین	۲
تاجیکستان، افغانستان	آمودریا	۱۰۰۰	۱۱۴		پنج	۳
تاجیکستان، ازبکستان	آمودریا	-	-	۸۷۷	زرافشان	۴
قرقیزستان، تاجیکستان	آمودریا	۶۳۱	۳۲،۱۵۰	۵۲۴	وختش	۵
تاجیکستان	آمودریا	۵۰	۲۰۷۰	۱۰۳	ونج	۶

(Source: UN. World water council,2015)

به‌طورکلی آمودریا و سیردریا تقریباً ۹۰ درصد آب قابل‌استفاده در حوضه‌ی دریاچه‌ی آرال را تأمین می‌کنند که به‌طور میانگین سالانه به ۱۲۵ کیلومترمکعب می‌رسد. ۱۰ درصد باقی‌مانده آب از رودخانه‌ها و چشمه‌های کوچک دیگر تأمین می‌شود. در این میان تاجیکستان میزبان اصلی بیش از ۵۵/۴ درصد از کل جریان‌های شکل‌گرفته در این منطقه است؛ بیش از ۲۵/۳ درصد نیز در خاک قرقیزستان شکل می‌گیرد. از ۶۰۰ رودخانه فصلی موجود در تاجیکستان سالانه بیش از ۵۰۰ کیلومترمکعب آب حاصل می‌شود که ۶۰ درصد از آن‌ها مربوط به حوزه آمودریا و ۳۴ درصد مربوط به حوزه سیر دریا است. در زمان حاکمیت اتحاد شوروی در این کشور ایستگاه‌های کوچک و بزرگ برق‌آبی ساخته شد. به‌طورکلی این کشور ظرفیت تولید برق ۵ درصد از کل انرژی الکتریکی جهان را داراست (Rasulof, 2004: 282). با اینکه وسعت تاجیکستان یک‌دهم وسعت ایران است اما بیش از سه برابر ایران ظرفیت احداث نیروگاه‌های برق‌آبی دارد. به شکلی که ایران ظرفیت احداث ۳۰ هزار مگاوات نیروگاه برق‌آبی و کشور تاجیکستان ظرفیت ساختن ۱۰۰ هزار مگاوات نیروگاه برق‌آبی دارد. هم‌اکنون ۷۶ هزار مگاوات از ظرفیت برق‌آبی تاجیکستان شناخته‌شده و کشورهای گوناگونی از جمله ایران، چین و روسیه برای احداث این نیروگاه‌ها اعلام آمادگی کرده و یا به‌طور عملی حضور یافته‌اند. تولید برق از منابع فسیلی در تاجیکستان ۲ درصد و از منابع برق‌آبی ۹۸ درصد است (Tehrani, 2007).

با تکیه بر این داده‌ها می‌توان گفت کشورهای ازبکستان، ترکمنستان و تا اندازه‌ای قزاقستان از نظر آبی گروگان موقعیت کم‌نظیر تاجیکستان هستند. تاجیکستان تاکنون اقدام به ساخت چهار نیروگاه و سد بر روی رودخانه و خش کرده است که نیروگاه سد آن یعنی سنگ توده ۲ (با حجم ۶۶,۵ میلیون مترمکعب و ظرفیت تولید ۲۲۰ مگاوات برق) و نارک (با حجم ۱۰,۵ میلیارد مترمکعب ۱۰,۵ کیلومترمکعب و ظرفیت نصب‌شده ۳۰۰۰ مگاوات) به بهره‌برداری رسیده‌اند و نیروگاه راغون (با حجم ۱۱,۸ میلیارد مترمکعب و در صورت افتتاح ظرفیت تولید ۳۶۰۰ مگاوات را دارد) و سنگ

- 
1. Electrical Energy
  2. Vakhsh
  3. Rogun

توده ۱) (با حجم و ظرفیت ۶۷۰ مگاوات) نیز در حال اجرا است. نیروگاه و سد سنگ توده ۲ را یک شرکت ایرانی اجرا کرد و در سال ۱۳۹۰ افتتاح شد (Rasulof, 2004: 283). تاجیکستان می‌تواند با تولید و صادرات برق به کشورهای پیرامون افزون بر تقویت و توسعه اقتصاد داخلی، اقتصاد کشورهای همسایه را نیز به اقتصاد خود پیوند زند. از نیروگاه‌های مذکور تنها دو نیروگاه (راغون و سنگ توده) می‌توانند تولید برق کشور را به دو برابر افزایش دهند. استفاده مؤثر از این منابع، این امکان را به تاجیکستان می‌دهد که نه تنها نیاز داخلی را مرتفع، بلکه نیاز کشورهای آسیای مرکزی و حتی خارج دور را نیز تأمین نماید؛ در حال حاضر در تاجیکستان هر ساله ۴/۱۶ میلیارد کیلووات ساعت برق تولید می‌شود که برابر با ۹۳ درصد از همین سطح در سال ۱۹۹۰ است؛ ذخایر هیدروانرژی به‌طور کلی ۵-۳ درصد مورد استفاده قرار می‌گیرد. در فصل زمستان سال ۲۰۰۳، این جمهوری به میزان ۴۶۰۶ میلیون کیلووات ساعت برق وارد نموده است (Rasulof, 2004: 283).

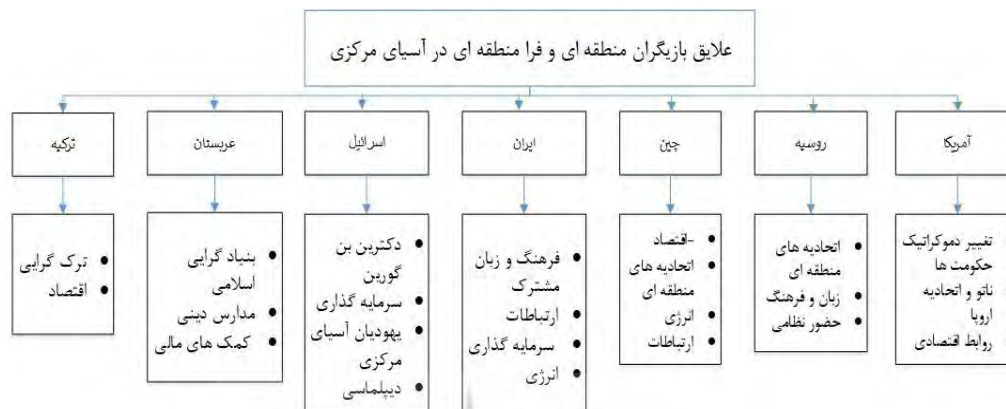
### ۶. علایق بازیگران منطقه‌ای در آسیای مرکزی

همان‌طور که پیشتر اشاره شد آسیای مرکزی به عنوان یک منطقه ژئواستراتژیک در تمام نظریه‌های کلاسیک ژئوپلیتیک حضور جدی دارد. با فروپاشی نظام دو قطبی، آسیای مرکزی به عنوان بخش جنوبی از قلمرو هارتلند نظریه مکیندر، هویت جغرافیایی - سیاسی مستقل پیدا کرده و به عنوان فضای فاقد قدرت تأثیر گذار، به عرصه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شد. فقدان قدرت تأثیر گذار و نوپایی جمهوری‌های آن، زمینه‌ساز دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را در این حوزه استراتژیک فراهم کرده است. قدرت‌های یاد شده هر کدام دارای اهداف، منافع و دیدگاه‌های خاص خود هستند که شناخت درست دیدگاه‌های آنان زمینه ساز اتخاذ سیاست‌های مناسب‌تری از جانب دستگاه سیاست خارجی ایران خواهد بود. آسیای مرکزی از ابعاد ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و فرهنگی اهمیت زیادی برای قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای دارد از این رو کشورها تلاش می‌کنند با ابزارهای موجود یا جعل ابزارهای جدید علایق ژئوپلیتیکی خود را در این منطقه پیگیری کنند.

بر این اساس می‌توان علایق و ابزارهای اصلی بازیگران منطقه‌ای را در آسیای مرکزی ترسیم کرد. آسیای مرکزی با دارا بودن جمعیت ۶۶ میلیون نفری و عدم دسترسی مناسب به بازار جهانی، بازار

اغواکننده‌ای برای کشورهای صنعتی به‌ویژه چین و هند و ترکیه است. از سوی دیگر ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا برای حضور در خارج نزدیک روسیه، نزدیک شدن به مرزهای ایران و ایجاد کنترل و محدودیت برای این دو کشور علاقه فراوانی به نفوذ در این منطقه دارند. همچنین دو کشور عربستان و اسرائیل نیز برای یارکشی در جامعه بین‌الملل و محاصره ایران بی‌میل به حضور در این منطقه نیستند. کشورهای روسیه و چین نیز علاقه زیادی به انرژی‌های فسیلی و برق آبی در آسیای مرکزی دارند و تلاش می‌کنند با سرمایه‌گذاری در این حوزه ضمن تامین انرژی مورد نیاز خود بر اقتصاد آسیای مرکزی تسلط داشته باشند. از این رو هر کشوری بر مبنای علاقه و داشته‌های خود تلاش می‌کند حضور خود در این منطقه را تثبیت کرده و مورد شناسایی دیگر کشورها قرار دهد. اتحادیه اروپا با گسترش ناتو، روسیه با گسترش اتحادیه‌های منطقه‌ای، ترکیه با هویت‌گرایی ترکی و اقتصاد، عربستان با بنیادگرایی مذهبی، چین و هند با سرمایه‌گذاری اقتصادی، آمریکا با تأسیس پایگاه‌های نظامی و اعطای کمک‌های مالی و سرمایه‌گذاری اقتصادی و اسرائیل نیز با سرمایه‌گذاری در حوزه آبی و اقتصادی تلاش می‌کنند تا سهم خود را از کنشگری در این منطقه کسب کرده یا بالا ببرند. ایران نیز به‌عنوان همسایه آسیای مرکزی و دارا بودن پیوندهای تاریخی - تمدنی گسترده با این منطقه و به‌ویژه در تاجیکستان و همچنین میراث‌دار زبان فارسی و فرهنگ ایرانی ناگزیر از حضور در این منطقه است تا ضمن تامین منافع ملی ایران و برطرف کردن تهدیدات امنیتی از سوی رقبای جهانی و منطقه به وظیفه ذاتی خود در قبال حفاظت از فرهنگ ایرانی و زبان فارسی در برابر روسی‌سازی و ترکی‌سازی آسیای مرکزی و به ویژه کشور تاجیکستان عمل کند. بنابراین لازم است دولت ایران به عنوان میراث‌دار هویت ایرانی از کشور همتبار خود در برابر هجوم فرهنگ‌های دیگر کمک کند. در نهایت می‌توان از اطلاعات ذکر شده نمودار زیر را ترسیم کرد که نشان‌دهنده علایق ژئوپلیتیک قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برای حضور در منطقه آسیای مرکزی است. با توجه به موارد پیش‌گفته نیاز مبرم تاجیکستان به جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صورت درنگ ایران کشورهایمانند اسرائیل، روسیه، چین، ترکیه و ایالات متحده آمریکا به راحتی می‌توانند با سرمایه‌گذاری در این کشور بر منابع آبی آسیای مرکزی تسلط یافته و برگ برنده ایران را باطل کنند.

شکل (۳): نمودار علایق بازیگران منطقه‌ای



بر اساس شکل (۳) کشورهای چینی، روسیه، ایالات متحده آمریکا، چین، ترکیه، عربستان و اسرائیل می‌کوشند با استفاده از ابزارهای موجود اهداف خود را در آسیای مرکزی پیگیری کرده و در این منطقه به نقش‌آفرینی بپردازند. نکته جالب توجه این است که کوهن در رابطه با این منطقه می‌گوید: «مناطق آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل وجود منابع نفت مورد توجه قدرت‌های غربی قرار گیرد و این امر بسترساز شکل‌گیری یک منطقه شکننده جدید می‌شود. ظهور این نوار شکننده به تلاش‌های ژئواستراتژیک غرب برای نفوذ در این منطقه بستگی دارد. اگر غرب بدون توجه به نگرانی‌های مسکو چنین کاری کند، آنگاه واکنش روسیه این دو منطقه را به سرعت تبدیل به نوار شکننده خواهد شد» (Cohen, 1994: 98-99). از همین روست که حضور ایران در آسیای مرکزی اهمیت می‌یابد. از سوی دیگر رقابت ایران با کشورهای یاد شده در مناطق دیگر از جمله غرب و جنوب‌غربی آسیا و منطقه خلیج فارس نشان می‌دهد که اگر ایران نتواند به طور مناسب در صحنه شطرنج آسیای مرکزی حضور پیدا کند در آستانه حذف قرار می‌گیرد. از دست دادن آسیای مرکزی از سوی ایران با توجه به فشار همه جانبه کشورهای ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، ترکیه، عربستان و اسرائیل در غرب و جنوبی غربی آسیا از یک سو و رقابت چین و روسیه در حوزه انرژی به معنای محاصره ایران و انزوای کامل آن است. حضور ایران در آسیای مرکزی ضمن به عقب راندن رقبای جهانی و منطقه‌ای می‌تواند تهدیدات امنیتی و اقتصادی از جمله تروریسم، قاچاق مواد مخدر، انرژی، رقابت‌های فرهنگی و فشار به مرزها را تا حدود زیادی کاهش دهد و فضای مناسبی برای تنفس

اقتصادی ایران باز نماید.

#### ۱-۶. پیوندهای تاریخی و فرهنگی ایران و تاجیکستان

آسیای مرکزی یا فرارود یک سرزمین ایرانی است و دیرینگی ارتباط آن با ایران به بیش از ۳۰۰۰ سال می‌رسد. به‌طور تقریبی تا پیش از ۱۵۰ سال قبل که این منطقه به تسلط روس‌ها درآمد با ایران رابطه پیوسته داشته است. آسیای مرکزی تا پیش از انعقاد پیمان آخال که از سوی استعمار روس بر ایران بزرگ تحمیل شد جزو سرزمین‌های ایران محسوب می‌شد. این پیمان میان امپراتوری روسیه تزاری و ایران قاجار در ۲۱ سپتامبر ۱۸۸۱ (۱۲۹۹.ه.ق/۱۲۶۰) بسته شد که هدف آن برای تعیین مرزهای دو کشور در مناطق ترکمن نشین شرق دریای خزر محسوب می‌شد (Nayeb pour, 2016:81). به‌طور بنیادین مردمان این سرزمین تباری ایرانی داشته‌اند که در سراسر آسیای مرکزی از دریای مازندران تا چین پراکنده بودند. ارتباط زبانی و فرهنگی ایران با آسیای مرکزی وجود داشته است تا اینکه هخامنشیان دامنه مرزهای ایران را به ورا رود گسترش می‌دهند. از نظر تاریخی کوروش پس از آنکه اهالی باکتریا، سغد و خوارزم را به اطاعت خویش واداشت، در سواحل دور دست سیحون شهری بنا نهاد که به منزله سدی در برابر طوایف سارماتی بدوی باشد. یونانی‌ها این شهر را کوروپولیس یعنی شهر کوروش نامیدند (Shirazi and et al, 2008:36). نخستین اشاره به سرزمین‌های این منطقه را در اوستا می‌توان یافت، در یشت‌ها آمده که اهورامزدا شانزده سرزمین را پی‌درپی آفرید و بیشتر این سرزمین‌ها مربوط به ایران شرقی و آسیای مرکزی است. در مهر یشت نیز به رودخانه‌های قابل کشتیرانی اشاره شده که آن‌ها را فقط با سیردریا و آمودریا می‌توان انطباق داد. هرودت در شرح ساتراپی‌های ایران، ساتراپی شانزدهم را شامل: پارت‌ها، خوارزمی‌ها، سغدی‌ها و آریایی‌ها می‌شمارد. در اوستا و کتیبه داریوش در بیستون نیز از خوارزم نام‌برده شده است (Hamedani, 2009:6).

وجود جشن‌ها و آیین‌های باستانی ایرانی، رسومات و واژگان ایرانی باقی‌مانده در زبان و... یک فرهنگ ایرانی به این مناطق داده است. این در حالی است که در ۱۵۰ سال گذشته تسلط روس‌ها و فرهنگ روسی بر این مناطق که زمینه‌های فارسی‌ستیزی و دشمنی با فرهنگ ایرانی در تمام شئون را فراهم کرده بود نتوانسته است از اهمیت و نفوذ زبان فارسی و فرهنگ ایرانی بکاهد. روس‌ها بعد

از تسلط در آسیای مرکزی تلاش کردند با تغییر خط نوشتاری آسیای مرکزی و ستیز با فرهنگ ایرانی مردمان این منطقه را از اصل خود دور کنند؛ اما بعد از فروپاشی شوروی یک پویش همگانی برای ارتباط با گذشته فرهنگی در تاجیکستان شکل گرفت و یکی از این حرکت‌ها بازگشت به خط نیاکان که همان فارسی است بود. تاجیکستان دومین کشور فارسی‌زبان جهان است که از نظر فرهنگی شباهت زیادی به ایران دارد در حقیقت می‌توان گفت این دو کشور از نظر فرهنگی یکی هستند و فاصله زیادی با یکدیگر ندارند. مشاهیر مشترکی که هم ایرانیان و هم تاجیک‌ها، ترکمن‌ها، قزاق‌ها و ازبک‌ها به داشتن آنان مفتخرند گونه دیگری از اشتراکات است. اوج روابط فرهنگی ایران و آسیای مرکزی در عصر تمدن اسلامی است که حاصل آن، پیدایی دانشمندان و فلاسفه عالی قدری همچون ابوعلی سینا، فارابی، بیرونی و شاعرانی چون رودکی و بلخی است. اگر چه در قرن بیستم، نظام فکری و ارزشی مردم آسیای مرکزی طی تحولات تاریخی ناشی از حاکمیت نظام کمونیستی، چالش‌های مختلفی به خود دیده است، اما توانسته شالوده‌های بنیادین خود را حفظ کند. در دهه‌های پایانی قرن بیستم رهایی کشورهای آسیای مرکزی از مدار حاکمیت کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی، فرصتی را پدید آورد تا تعاملات فرهنگی کشورهای دیگر با آنها، از حالت بسته به گسترده تبدیل شود (karani,2019:44).

## ۲-۶. روابط ایران و تاجیکستان در دوران معاصر

### ۱-۲-۶. روابط فرهنگی و تاریخی

اولین ارتباطات فرهنگی در دوره استیلاي شوروی بر آسیای مرکزی به دوره دوم حکومت پهلوی بازمی‌گردد که بسیار کوتاه و اندک بوده است. نزدیکی میان شوروی و ایران و به‌ویژه آسیای مرکزی که در راستای سیاست دوجانبه‌گرایی ایران و نزدیکی ایالات متحده آمریکا به شوروی بود باعث علاقه ایران به برقراری ارتباط با تاجیکان شد. رشته این روابط بسیار نازک و فرسوده بود و تنها عاملی که مانع از قطع شدن آن می‌شد، یگانگی زبان و فرهنگ میان اقوام فارسی‌زبان و نشر کتاب‌های فارسی در زمینه‌های مشترک بود.

بعد از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی ارتباط‌گیری با این کشورها آسان‌تر شد. هرچند که ایران برای بار دوم مناطق قفقاز و آسیای مرکزی را از دست داد اما جمهوری اسلامی

ایران نخستین کشوری بود که استقلال تاجیکستان را به رسمیت شناخت و اقدام به گشایش سفارت‌خانه در پایتخت این کشورها نمود. بعد از استقلال تاجیکستان مجسمه فردوسی جای مجسمه لنین در مرکز شهر دوشنبه را گرفت. درست بعد از یک سال از استقلال تاجیکستان جنگ داخلی این کشور بین دولت و شورشیان در گرفت که با وساطت دولت روسیه و جمهوری اسلامی ایران پایان یافت (Shirazi and et al,2008:57).

بررسی ربع قرن رفتار سیاست خارجی ایران در منطقه آسیای مرکزی نشان می‌دهد که نقش آفرینی ایران در این منطقه به طور عمده در قالب سه هویت شکل گرفته است؛ ایران به عنوان یکی از محورهای تمدن اسلامی، ایران به عنوان یک فرهنگ و تمدن ریشه‌دار و در نهایت ایران به عنوان یک دولت-ملت مبتنی بر حفظ هویت و منافع (Karami,2008:79). اما یافته‌ها نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران آن چنان که باید در برقراری روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با تاجیکستان موفق نبوده است و نتوانسته است ظرفیت‌های موجود را فعال کند. به نظر می‌رسد با توجه به محدودیت‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران اعم از ضعف اقتصادی، تحریم‌های طولانی مدت، ضعف بخش خصوصی در اقتصاد، عدم تطابق ایدئولوژی حکومتی با تاجیکستان و درگیری‌های دامنه‌دار منطقه‌ای با رقبای ژئوپلیتیک در غرب سبب شده است توسعه روابط با تاجیکستان و آسیای مرکزی از اولویت سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران خارج شود و توجهی جدی به آن نشود. از جمله شاخص‌هایی که می‌توان درباره عدم موفقیت ایران در این منطقه ارائه داد عبارتند از؛ ترجیح دادن خطوط قدیمی انتقال انرژی (خطوط انتقال روسیه) برای صادرات انرژی توسط کشورهای آسیای مرکزی و عدم استفاده از ظرفیت‌های به صرفه‌تر و کم هزینه‌تر کشور ایران، پیوستن به سازمان امنیت و همکاری اروپا و پذیرفتن استانداردهای آن، حضور نظامی آمریکا در آسیای مرکزی و ایجاد پایگاه‌های نظامی در این منطقه و بعضاً برپایی مانورهای مشترک با کشورهای این منطقه، دشمنی مخفی کشورهای آسیای مرکزی با ایران البته تحت فشار آمریکا، قرار دادن مدل ترکیه سکولار به عنوان الگوی مملکت داری خود و... (Shapouri and Seifzadeh,2019:4).



## ۶-۲-۲. روابط اقتصادی ایران و تاجیکستان

شروع روابط ایران با تاجیکستان، از حوزه اقتصاد بوده است؛ سفر مقامات ایرانی به این کشور، متقابلاً منجر به سفر آقای رحمان نبیاف در اوایل برقراری روابط می‌شود. این سفرها عمدتاً محور اقتصادی داشتند (Mojtahedzadeh, 2018:42). بخشی از همکاری‌های مهم جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان در زمینه‌ی بازرگانی، سرمایه‌گذاری و مناسبات بانکی بوده است. که مهم‌ترین این همکاری‌ها را می‌توان به قرار زیر نام برد:

- تونل استقلال و انزاب
- نیروگاه هیدروالکتریک (آبی برقی) سنگ توده-۲
- نیروگاه هیدروالکتریک (آبی برقی) شورآباد
- تونل ایستکلول
- سد راغون بر روی رودخانه وخش
- بازسازی راه ابریشم در غالب اتوبان‌هایی که چین را به تاجیکستان، افغانستان و ایران متصل می‌کند
- احداث کارخانه تراکتورسازی (تاجیران)
- پروژه ساخت تونل مغزک
- توسعه شبکه اینترنتی و مخابراتی
- تاسیس کمیسیون مشترک برای طراحی موافقتنامه همکاری اقتصادی و بازرگانی (Boddouhi, 2011:96-97).

افزون بر این‌ها جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان روابط اقتصادی و بازرگانی متعددی نیز دارند که تراز تجاری این دو کشور در ۱۱ ماهه نخست سال ۹۷ بالغ بر ۵۵ میلیون دلار بوده است. از سوی دیگر موقعیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه قابل قیاس با هیچ‌یک از کشورهای منطقه نیست.

جدول (۲): مبادلات تجاری ج.ا.ایران با ج.تاجیکستان از سال ۱۳۸۷ لغایت ۱۱ ماهه ۱۳۹۷ (میلیون دلار)

سال	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷ (۱۱ ماهه)
صادرات	۱۶۸.۱	۱۴۹.۴	۱۸۹	۱۹۵	۲۶۳	۲۴۹	۱۸۹.۸	۱۵۰.۲	۱۹۸	۲۱۷	۷۶
واردات	۳۹.۳	۴۹.۷	۲۸.۷	۱۸.۲	۳۵	۱۹	۱۹.۳	۲۲.۹	۱۶	۱۴	۲۱
تراز تجاری	۱۲۸.۸	۹۹.۷	۱۶۰.۳	۱۷۶.۸	۲۲۸	۲۳۰	۱۷۰.۵	۱۲۷.۳	۱۸۲	۲۰۳	۵۵
تجارت خارجی	۲۰۷.۴	۱۹۹.۱	۲۱۷.۷	۲۱۳.۲	۲۹۸	۲۶۸	۲۰۹.۱	۱۷۳.۱	۲۱۴	۲۳۱	۹۷

(منبع: اتاق بازرگانی ایران)

### ۳-۲-۶. روابط سیاسی

بنظر می‌رسد دو کشور در زمینه سیاسی دو کشور نتوانسته‌اند روابط باثبات و سطح بالایی برقرار کنند. از سال ۲۰۱۴، رفته‌رفته روابط تهران-دوشنبه وارد فاز تازه‌ای شد. به صورتی که مسئله ضدیت با ایران و ایرانی، بر فضای سیاسی و حتی اجتماعی کشور تاجیکستان سایه انداخت. بسیاری از صاحب‌نظران در نگاه کلان، نفوذ نرم جریان موسوم به سلفیت را در تحلیلی تئوری محور به‌عنوان فرضیه گرفتند. گروهی دیگر نیز، بی‌برنامگی ایران در منطقه آسیای مرکزی را دلیلی بر این رفتار دوشنبه اعلام کردند و برخی هم بر تأثیرات لابی سعودی-غربی در موضوع ایران‌هراسی اشاره می‌کنند (Alawizadeh, 2016). محی‌الدین کبیری، رهبر حزب نهضت اسلامی که پیش از اعلام ممنوعیت آن به خارج از کشور سفر کرده بود، در همایش «بیداری اسلامی» سال ۲۰۱۶ به تهران دعوت شد و با رهبر ایران دیدار کرد. این حرکت، خشم دولت تاجیکستان را برانگیخت و به دستور دولت بیش از پانزده نهاد ایرانی در تاجیکستان تعطیل شدند و روابط میان دو کشور هم‌زمان به‌طور بی‌سابقه‌ای به تیرگی گرایید (Saleem, 2017).

### ۷. نتیجه‌گیری

تاجیکستان با توجه به موقعیت جغرافیایی و طبیعی خود به می‌تواند به عنوان هارتلند آب در آسیای مرکزی شناخته شود. این امر زمانی اهمیت می‌یابد که در آغازین دهه‌های سده بیستم و در

نظریات سنتی ژئوپلیتیک و بر پایه تئوری مکیندر خود آسیای مرکزی به عنوان هارتلند جهان شناخته شد. از اینرو امروزه هم با توجه صحنه بازی پیچیده‌ای که در عرصه‌های معادلات ژئوپلیتیک منطقه عرضه می‌کند همچنان مورد توجه و اقبال قدرت‌های سطح اول و دوم جهان می‌باشد. حال با توجه به چنین شرایطی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای بسترهای تاریخی، فرهنگی فراوانی برای حضور در هارتلند آسیای مرکزی یعنی تاجیکستان برخوردار است. در واقع تاجیکستان جزو معدود کشورهایی در جهان است که می‌تواند هم‌پیمان استراتژیک ایران باشد و همچنین مهم‌ترین کشوری در آسیای مرکزی است که می‌تواند موجبات حضور پایدار ایران در منطقه را فراهم کند. از سوی دیگر نیز ایران جزو معدود کشورهای جهان است که می‌تواند تقویت هویت ملی تاجیک‌ها و احیای میراث فرهنگی آنها کمک نماید. همچنین موقعیت جغرافیایی بیشتر کشورهای آسیای مرکزی وابستگی آنها به ایران را دوچندان کرده است؛ زیرا هیچ‌یک از کشورهای منطقه به آب‌های آزاد راه ندارند و قزاقستان پهناورترین کشور محصور در خشکی جهان بوده و ازبکستان تنها کشور محصور در خشکی جهان است که برای دستیابی به دریا باید حداقل از دو کشور عبور کند این ویژگی‌های ایران می‌تواند تاجیکستان را از انزوای خفگی ژئوپلیتیکی خارج کرده و به جهان آزاد وصل کند.

اما حضور ایران در آسیای مرکزی مستلزم کنار گذاشتن نگاه آرمان‌گرایانه ایدئولوژیک به منطقه است و لازم است با دیدی واقع‌بینانه و با تأکید بر مناسبات فرهنگی و زبانی به نقش‌آفرینی در آسیای مرکزی و تاجیکستان پردازد. بدیهی است با توجه به تضادهای ایدئولوژیک میان حکومت‌های دو کشور تلاش برای اثرگذاری سیاسی از سوی هر یک از این دو کشور منجر به تیرگی روابط میان آنها خواهد شد؛ نمونه چنین امری را در مورد دعوت محی‌الدین کبیری به ایران می‌تواند مشاهده کرد، امری که هنوز سایه آن بر روی روابط میان دو کشور قابل دیده شدن است. اما اگر ایران بتواند از پیوندهای تاریخی و فرهنگی خود در قالب رویکردی واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه سود جسته و خود را به عنوان بازیگری اثرگذار در این کشور و منطقه تعریف کند برآحتی می‌تواند از موقعیت بالادست خود برای هدایت رفتار سیاسی کشورهای منطقه که ممکن است عرصه حضور رقابای منطقه ایران مانند ترکیه، عربستان، اسرائیل و... باشد سود ببرد. اما از دست دادن تاجیکستان و سوق

دادن این کشور به رقیبان منطقه‌ای مانند عربستان، ترکیه، آمریکا و اسرائیل می‌تواند منجر به کاهش حضور ایران در آسیای مرکزی شود و موقعیت رقبای ایران را در منطقه افزایش دهد..

#### ۸. قدردانی

لازم است در پایان مقاله از دانشگاه خوارزمی تهران که زمینه لازم برای انجام این پژوهش را مهیا کرد تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از گروه جغرافیای سیاسی این دانشگاه و اساتید محترم که مرا در انجام این پژوهش یاری کردند کمال قدردانی و سپاسگزاری را دارم.



### References

1. Alawizadeh, S.M (2016). Iran-Tajikistan relations after the death of "Krymav", Fars news agency. **[In Persian]** URL: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13950812000406>.
2. Boddouhi, M (2011). Impact of Economic Interactions in the development of Iran and Tajikistan Relations, studies of international relations journal, Volume 4, Issue 17 - Serial Number 16, Winter 2011, Pages 91-113. **[In Persian]**
3. Cohen, S.B. (1994). Geopolitics in the new world era. Chapter 2 from reordering the world.
4. Ezzati, E; Khezri, M.H (2011). The Great Khorasan in Water Geopolitics, The Great Khorasan University of Science, Year 2, No. 2, Spring 2011. **[In Persian]**
5. Fakhari, G.R (1992). Dispute between Iran and Afghanistan on the issue of Hirmand River, Tehran, Ministry of Foreign Affairs, Printing and Publishing Institute
6. Hafeznia, M.R (2005). National power and interesre (sources, concepts and measurement methods), Selection Publications. **[In Persian]**
7. Hamedani, A (2009). Transoxiana from the beginning to the present day, Ayra's Journal, year 4, No. 4, Spring and Summer 2009. **[In Persian]**
8. Heidari, G.H (2004). Cultural Geopolitics or Geocalcer, Ideas of the Congress of the Iranian Geopolitical Association, Tehran, Iranian Geopolitical Association, GEOPOLITI-CS01\_007. **[In Persian]**
9. Heidari, G.Hassan,(2008). The 21st Century Global Geocultural System and Iran's Position "Proceedings" Security Environment Around the Islamic Republic of Iran, Strategic Studies Research Institute Publications. **[In Persian]**
10. Karami, J (2008). Iran and Central Eurasia. Central Eurasia Studies, 1(1). **[In Persian]**
11. karani, z (2019). The impact of regional geoculture on relationships between Iran and Central Asian countries, Quarterly journal of south-west Asian studies, Spring 2019, No 5, Article code: 13980514191345. **[In Persian]**
12. Karayi, Z (2008). Water Diplomacy in Central Asia, Rasad, No. 28. **[In Persian]**
13. Kaviani Rad, M (2005). Iran-Afghanistan Hydropolitic Relations, Volume 8, Issue 28, Summer 2005, Pages 337-358. **[In Persian]**
14. khaledi, M (2011). Geography of Tajikistan, Moon History and Geography, November 2011, No. 162, From 108 to 112. **[In Persian]**
15. Mojtahedzadeh, P (2018). geopolitics philosophy and application (concepts and theories at the age of virtual space), Tehran, Samat Publications. **[In Persian]**
16. Mokhtari Hashi, H (2013). Hydropolitics of Iran; The Geography of Water Crisis in the Horizon of 2025, Geopolitics Quarterly, year 9, No.3, Spring 2013, Pages 49-83. **[In Persian]**
17. Mokhtari Hashi, H; Ghaderi Hajat, M (2008). Hydropolytics of the Middle East on the horizon of 2025, Case study: Tigris and Euphrates, Jordan River and Nile River, Geopolitics Quarterly, Fourth Edition, No. 1, Spring 2008, Pages 36-74. **[In Persian]**
18. Nami, M.H (2011). political geography of iran boundry rivers, Tehran, Sehreh Publications. **[In Persian]**

19. Nayeypour, M. (2016). Akhal Treaty 1881: context and conditions leading to the signing of the contract. *journal of border studies*, 4(3), 81-106. **[In Persian]**
20. Oohara, S (1999). *Water situation in the Central Asian region*, Studies of Central Asia and the Caucasus, translated by: Abbas Rasuli, Ministry of Foreign Affairs Press and Publications. **[In Persian]**
21. Rasulof, G (2004). Production, export and energy consumption geographically, *Quarterly journal of studies in Central Asia and the Caucasus*, No. 47. **[In Persian]**
22. Saleem, A (2017). Tajik Peace Agreement: Lost Legitimacy, BBC Persian. **[In Persian]** URL: <http://www.bbc.com/persian/world-40472056>.
23. Shapouri, M; Seifzadeh, S.H (2019). Identity vacancy in the USSR successor countries an opportunity to further influence the Islamic Republic of Iran in this region, *Quarterly journal of south-west Asian studies*, Summer 2019, No 6, Article code: 13980930204179
24. Shirazi, A; Bagheri Fardin, H; Borna, S (2008). *Historical and Cultural Developments in Central Asia*, Tehran: Jihad Daneshgahi Publishing Organization, First Edition. **[In Persian]**
25. Tehrani, N (2007). "Visit Iran and Tajikistan". **[In Persian]** URL: <http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=50315>.
26. United Nations Development Programme UNDP (2010). «Aral-Syrdarya Basin, Water Resources, Main River Basins of Kazakhstan», Available at: [www.undp.org](http://www.undp.org), (Accessed on: 2/2/2012).